

علامه سید مرتضیٰ عسکری



یکصد و پنجاه

صحبای ساختگی



ترجمه: علما محمد سردارنیا

جلد چهارم



نام کتاب: یکصد و پنجاه صحابی ساختگی جلد چهارم
مؤلف: علامه سید مرتضی عسکری
ترجمه: عطا محمد سردارنیا
ناشر: انتشارات بنیاد قرآن
ناشر همکار: انتشارات علامه عسکری
توبت چاپ: اول / ۱۳۹۰
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ: تیراژ / قم
قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال؛ دوره: ۲۸۰۰۰۰ ریال
شابک چ. ۲: 978-600-90827-0-7

عسکری، مرتضی، ۱۲۹۳ - ۱۳۸۶.

Askari, Morteza

خمسون و مائه صحابی مختلف، فارسی
یکصد و پنجاه صحابی ساختگی / مرتضی عسکری؛
مترجم عطا محمد سردارنیا.
تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۹۰.

ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۲۷-۷-۳: ۲ ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۲۷-۶-۱
ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۲۷-۸-۳: ۳ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۲۷-۹-۷

کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است.
کتابنامه.

تیمیمی، سیف‌الدین عمر، - ۱۳۰۰.

صحابی ساختگی
احادیث اهل سنت -- نقد و تفسیر
سردارنیا، عطاء محمد، ۱۳۰۶ - مترجم
بنیاد قرآن جمهوری اسلامی ایران
الف ۱۳۹۰ ۴۱ ۸۰۵/۵۸۰
BP ۱۰/۵/۵۸۰

۲۶۳۶۹۵۷ ۲۹۷/۲۹

www.alaskari.info

تهران پاسداران
شهید گل نویسی
شهید ناطق نوری
بوستان کتاب
واحد ۱۳
تلفن:
۲۲۸۵۷۲۹-۵۰
نمایر:
۲۲۸۵۷۷۵۶
قم خیابان صفائیه
نیش کوچه ممتاز
ساختمان بعثت
طبقه سوم
تلفن: ۷۷۲۵۸۵-۶
پیامک:
۳۰۰۰ ۵۳ ۳۹

ای مؤمنان (عالم) هرگاه فاسقې خبرې برای شما آورد (تصدیق
نکند تا) تحقیق کنید مبادا به سخن چینی فاسقې از نادانی
به قوم رنجی رسانید و سخت پشیمان گردید.

جهت: آیه ۶

www.ketab.ir

سخن مترجم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم بازو گوش باز و این عمل
حیرت‌م از چشم‌بندی خدا
سپاس خدای را که توفیق ترجمه چهارمین جلد از کتاب ارزشمند علمی و تحقیقی
«صد و پنجاه صحابی ساختگی» دانشمند و محقق کبیر جهان اسلام، حضرت استاد
علامه «مرتضی عسکری» را به این بنده ضعیف مرحمت فرمود، تا به سهم خویش
خدمتی هرچند ناچیز به حقایق اسلام کرده باشم.

امید آنکه این سند تحقیقی کم‌نظیر، چراغی باشد فراسوی رهروان راه حقیقت، و
پی‌جویان طریق اسلام واقعی، و مشتاقان شناخت تاریخ درست آن، تا دانشمندان و
اندیشمندان، و پرچم‌داران جهان اسلام به خود آیند و پالایش اسناد و مداراک
اسلامی را از همه دروغها، و دستکاریها در همه موارد وجهه حقیت شود قرار دهند.

ناگفته پیداست که این کتاب نه قصه است و نه تاریخ، بلکه حقایقی است
تکان‌دهنده از احتمال وجود هزاران خبر دروغ و ساختگی در مصادر و منابع اسلامی.
مگر نه این است که بکصد و پنجاه چهره خیالی که هرگز وجود نداشته‌اند بعنوان
صحابی پیغمبر خدا (ص)، آنها را با شرح و تفصیلات در منابع خبری و تاریخی وزین
و معتبر اسلامی راه یافته است؟!!

و مگر نه اینکه سیف به‌شیوه تاریخ‌نویسان، داستانها و افسانه‌های خود را از
زبان راویانی خیالی بازگو کرده از این راه ده‌ها راوی ساختگی نیز به فهرست

بالا بلند راویان افزوده^۱، احادیث دروغ بسیاری بر زبان آنان نهاده است؟! دستورهای حیرت آفرین برخی از زمامداران وقت، و اقدامات تکان دهنده معاویه در جمل و انتشار احادیث دروغ^۲؛ اعترافات «ابن ابی العوجاء» زیر شمشیر جلاد^۳، و ده ها مورد تاریخی دیگر چه چیز را ثابت می کنند؟ آیا بدین همه می توان گفت که تمامی منابع و مصادری که امروز مورد قبول اکثریت مسلمانان جهان است از آلودگی به دروغ و دست کاری و انحراف بدور مانده اند؟! وجود همین یکصد و پنجاه تن صحابی ساختگی کافی است تا تکرار کرده بگوئیم:

بجز قرآن که از دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت در صحت و درستی آن جای هیچگونه تردیدی نیست، غالب منابع و مصادر خبری و حدیث که قرن ها از تألیف و تدوین آنها می گذرد باید مورد تجدید نظر قرار گیرند تا از هرگونه آلودگی احتمالی به دروغ و انحراف و دست کاری پاک شده اسلام به همان گونه که پیامبر مقدس ما آورده است به جهانیان و مسلمانان جهان عرضه شود^۴، همچنانکه فقهای مکتب اهل البیت این کار را به نحوی شایسته و اکمل در مدارک فقهی انجام داده اند. سخن در این زمینه بسیار است، همین قدر از خدا می خواهیم که ما را بیدار و به وظائف خطیر خود آشنا فرموده از راه لطف و کریمش هرچه زودتر موجبات اتحاد و یکپارچگی مسلمانان جهان را در سایه درک اسلام واقعی فراهم فرماید، و پرچم توحید را در پهنه گیتی به اهتزاز درآورد که «إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ»^۵

تهران - آذرماه / ۱۳۶۲ - عطاء محمد - سردارنیا.

۱. حضرت استاد علامه عسکری کتابی مستقل تحت عنوان «رواة مختلفون» راویان ساختگی، تألیف کرده که هنوز چاپ نرسیده است.
۲. «مقدمة مرآت العقول» علامه عسکری (۳۵/۱ - ۴۲).
۳. «صد و پنجاه صحابی ساختگی» (۵۹/۱ - ۶۴).
۴. «صد و پنجاه صحابی ساختگی» (۱۴/۱ - ۲۰).

مقاله ای که از نظر خوانندگان عزیز می گذرد، اظهار نظر فاضل
ارجمند آقای «هادی علوی» درباره این کتاب است که در روزنامه
(تأخی) بغداد مورخه ۱۹۶۸/۸/۲۶، و مجله «رسالة الاسلام» علی دو
شماره (۹ و ۱۰) بتاريخ جمادی الاولی ۱۳۸۸ به چاپ رسیده است.
و ما بی مورد ندانستیم که آنرا بعنوان مقدمه ای بر این قسمت از
کتاب آورده باشیم.

بحثی تاریخی و تکان دهنده در کتاب:

صد و پنجاه صحابی ساختگی

تاریخ، کشتزار وسیع و بردامنه‌ای است که هرگونه کار و برداشتی در آن میسر است، و بیش از دیگر موارد می‌توان درباره آن به قلم فرسائی نشست. این کثرت در نگارش تاریخ شاید به علت آن باشد که نوشتن تاریخ آسان می‌نماید، و یا اینکه اهمیت موضوعات و رویدادهای تاریخی در چارچوب این دانش، و یا تأثیر همانها در محدودۀ زمان ما و یا آینده موجب چنان کثرت و فراوانی گردیده است.

در هر حال، تاریخ ساده و آسان نیست مگر وقتی که نویسنده در مقام آن باشد که از آن داستانی بسازد تا راحت طلبان و بی‌تجربان را در شیهای دراز زمستان با شیرین زبانیهای خود گرم، و آنها را بر بساط شادی و طرب بشاند. اما اگر از دیدگاه علم به تاریخ نگاه کنیم، و عاقلانه برای درک مطالب جدی آن بنشینیم، درمی‌یابیم که تاریخ آنچنان هم آسان و ساده نیست مگر آن مقدار که بتوانیم به سادگی در آن به تحقیق پردازیم، و به راحتی به منابع متعدد خبری و مدارک لازم دست یافته، و پی گیریهای لازمه را انجام و به نتیجه برسیم. که این سه یعنی (تحقیق، و استقصاء، و نتیجه گیری) سه پایه هردانشی را تشکیل می‌دهند، و دست‌یابی به این سه غالباً با رنج و زحمت فراوان همراه است.

بدیهی است ارزش پژوهشهای تاریخی بستگی به مقدار تلاشی دارد که بر سر آن بکار رفته است. البته این تلاش و کوشش باید که با بی‌غرضی و اخلاص، و یک رویه و مشخص بودن موضوع مورد بحث، همراه باشد.

در پرتو چنین حقایق ملموس و ساده ای می توانم بگویم که کتاب «صد و پنجاه صحابی ساختگی» از جمله کتابهایی است که درخور احترام و سپاس می باشد. چه، دقت و توجهی که در انتخاب مباحث آن بکار رفته، محصول بررسی و پی گیریهای طولانی و عمیقی است که مبتن صبر و شکیبایی فراوانی می باشد؛ که خود غایت و هدف هر گونه بحث خالص علمی است.

با وجودیکه کتاب هدف اصلی خود را پنهان داشته، اما موضوع مورد بحث آن خود، گویاترین بیان هدف و مقصود آن می باشد. از این روی می توان گفت که این کتاب یک مدرک علمی مستند و پرازشی است برای تمام کسانی که به بحث پیرامون اسلام نشسته اند، خواه عرب باشند، و خواه از خاورشناسان.

نویسنده کتاب «آقای سید مرتضی عسکری» از جمله روحانیون بغداد است، و بخشی را که در این کتاب مطرح کرده اند، دنباله مباحثی است که مؤلف در کتاب دیگر خود تحت عنوان «عبدالله بن سباء» عرضه داشته است.

مؤلف در این دو کتاب سخن از «سيف بن عمر» به میان می آورد که زمان حکومتهای (امویان و عباسیان) را درک کرده، و در همان آغاز نوشتن کتابها در جهان اسلام، کتابی در تاریخ فتوح اسلامی، که شامل فتوحات و لشکر کشیهای صدر اسلام می باشد تألیف کرده است.

کتاب فتوح سيف، گرچه از بین رفته و در معرض فراموشی باشد، اما اخبار و رویدادهایی که در آن به شرح گذاشته شده تماماً در مصادر معتبر و مشهوری که به سخنان و نوشته های سيف اعتماد کرده اند، منتقل شده که پیشانی همه آنها «تاریخ طبری» قرار دارد.

آقای عسکری در این سلسله مباحث نشان داده که سيف بن عمر، تاریخ نویسی دروغگو، و دروغساز بوده که حوادث و رویدادهایی را در عالم خیال و از پیش خود ساخته، و برای درست و موثق نشان دادن آنها یک سلسله اغراض و عواملی را به خدمت گرفته و در آنها گنجانیده است که به هیچ روی با اصل موضوع که موجب نگارش چنان رویدادهایی شده است، ارتباطی ندارند. از جمله آن اغراض و عوامل اینک:

۱ - مصالح دولت مردان اموی، که سيف بیشتر ایام زندگی خود را در دامان آمن

ایشان سپری کرده است. چه، رعایت جانب ایشان، و حفظ مصالح آنان آشکارا در داستانهای سیف بوژه داستان کشته شدن عثمان، و شرح دلاوریهای سران شناخته شده بنی امیه از همان آغاز تاریخ اسلام، در روایتهای او به چشم می خورد.

۲ - رعایت منافع قبیله‌گی قبیله «نعمیم» که سیف تعصب آن را هرچه تمامتر دارا می باشد.

این تعصب، بصورت بازتابی از شرح دلاوریها، و قهرمانیهای چهره‌های شناخته شده و سرشناس تسم در فتوح اسلامی که نقش حساس، برعهده داشته اند درآمده، که آقای عسکری عقیده دارند همه آنها ساخته و پرداخته سیف می باشد و حقیقت ندارند.

۳ - ایجاد تشویش و اخلال در تاریخ اسلامی، که مؤلف آن را زائیده (زندقة) سیف بن عمر می داند.

سیف در داستانهای خود چهره‌های بسیاری را به عنوان (صحابی) رسول خدا (ص) آفریده که بنا به آداری که آقای عسکری به دست داده است، تعداد این قبیله آفریده‌های او به (یکصد و پنجاه) نفر می رسد.

علاوه بر آنها، سیف چهره‌هایی را به عنوان راوی داستانهای خود خلق، و اماکن و جاهای جغرافیائی فراوانی را آفریده، که نه تنها از آنها روی نقشه جغرافیائی دیده نمی شود، بلکه روی زمین نیز وجود نداشته اند؛ و اتفاقات، و رویدادها، و صحنه‌سازیهایی بشمار دیگری را نیز آفریده است!

در کتابی که از این دانشمند در دست داریم بحث تحلیلی و مفصل از تعداد (سی و نه) صحابی ساختگی سیف از مجموعه قهرمانان خیالی او بمیان آمده که آقای عسکری اعتقاد کامل دارد که چنان چهره‌هایی در آن قبیله رویدادها هرگز وجود خارجی نداشته اند!

تحقیقات آقای عسکری منکی بر عناصر زیر است:

۱ - سیف بن عمر تنها مصدر روایت این قبیله اخبار است که طبری آنها را از او گرفته، و پس از وی، ابن اثیر، و ابن کثیر، و ابن خلدون می باشند که آن اخبار را از طبری گرفته در کتابهای خود آورده اند. علاوه بر طبری، مورخینی انگشت شمار نیز بوده اند که نسخه ای از کتاب فتوح سیف را در اختیار داشته اخبار او را نقل نموده اند.

اما، در مصادری که به اخبار سیف اعتنائی نکرده از او مطلب نگرفته اند، آن داستانها و نقش آفرینان، و قهرمانان و صحنه های ترسیم شده او دیده نمی شوند، از قبیل کتابهای سیره، و مؤلفات بلاذری که رویدادهای مورد تعریف سیف در آنها دیده نمی شود، و اخبار تحریف شده او؛ از وقایع و رویدادهای تاریخی، در آنها به شکل دیگری آمده که با گفته های سیف سخت اختلاف دارند.

طری نیز در اخبار و رویدادهای تاریخی، تنها به اخبار سیف بسنده نکرده اخبار متناقض با آنها را از دیگر منابع خبری نقل کرده و به این قبیل تناقضات اشاره هم کرده است.

۲ - اسنادی که سیف در روایات خود به دست داده است، دلیلی دیگر بر ساختگی بودن روایاتش می باشد، چه، آقای عسکری راویان سیف را مورد بررسی و شناسائی قرار داده ولی از بیشتر آنها نامی در کتابهای رجال نیافته، و همین امر موجب آن شده تا یقین کند که این دسته از راویان او نیز از مخلوقات خیالی او بوده و وجود خارجی نداشته اند.

۳ - غالب جنگها و فتوحات مورد بحث سیف را سایه ای از خرافات و اوهام، و رویدادهای خارق العاده فرا گرفته است، از قبیل سخن گفتن حیوانات با برخی از فرماندهان تمیمی در جنگها که به زبان عربی فصیح صورت گرفته است! بدیهی است که این چنین مطلبی را منطق علمی، قاطعانه رد می کند، خواه سیف گفته باشد، خواه کسی دیگر!

~~~~~

۱. وقوع معجزات و خوارق عادات از جانب پیامبران خدا بحکم تاریخ و روایات و احادیث امری است مسلم، و در قرآن مجید به پاره ای از آنها اشاره، و بویژه از سخن گفتن حیوانات با ایشان بصراحت یاد شده است، از آن جمله سخن گفتن مورچه است در سوره (نمل) که می فرماید:

عَسَىٰ إِذَا فُتِحُوا عَلَىٰ وَاوَاكُنْخُل، فَأَلَّتْ نَفْلَهُ يَأْتِيهَا الْكُنْخُلُ أَذْخُلُوا مَا كُنْخُلُ لَا يَغِيْطُكُمْ سَلِيْنُ  
وَجُسُوْدُهُمْ لَا يَنْشَفِرُوْنَ؛ قَتَبْنُمُ لَهَا جَكَاءَ مِنْ فَرْخَاهَا... (سوره نمل: ۱۸ و ۱۹).

چون به بیابان مورچگان رسید، موری فریاد برآورد که ای موران به خانه های خود درآئید تا مبادا سلبمان و سپاهیان شما را پایمال کنند؛ سلیمان از گفتار او تبسم کرده - به

می بینیم که سیف امور شگفت انگیزی را مطرح می کند، و آنرا با تردستی درهم می آمیزد و نتیجه ای غیرمنتظره می گیرد. مثلاً دژی محکم و استوار که مدت دو سال در برابر مسلمانها ایستادگی کرده، حملات و یورشهای آنان را از خود دور نموده و سرفرازانه در برابر دشمن مقاومت کرده است؛ بدون اینکه بر اثر نیرنگی جنگی یا حرکتی نظامی سقوط کرده باشد، سیف چنان نموده است که آن دژ به یک باره و در اندک زمانی تسلیم قوای اسلام شده همگان حتی نیروهای اسلام را دچار شگفتی و تحیر ساخته است!!

یا اینکه می گوید بیرونی در برابر فاتحان میدانهای نبرد، تا سرحد جان ایستادگی کرده حملات دشمن را با کمال رشادت و شجاعت از خود دور نموده، از سنگرهای خویش با تمام قوا دفاع کرده قدمی واپس نگذاشته است؛ اما بناگاه با یک حرکت سریع یکی از سپاهیان اسلام توان پایداری خود را از دست داده، شیرازه آن از هم گسیخته شده است!!

از دیدگاه سیف، بیشتر بیرونیانی را که مسلمانان در جنگها و فتوحات خود بدست آورده اند، مرهون اینگونه اتفاقات و معجزه هائی بوده که درگیرودار نبرد، و یا

.....

آهستگی - بخندید.

و هم در آن سوره، گفت و شنود حضرت سلیمان (ع) با (الهدد) چنین آغاز می شود:

وَنَفَقَدْ الْكَافِرِينَ، فَمَا لِي أَلْزَى الْهَدْدِ أَمْ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ لَا عَذَابَ شَدِيداً أَوَّلَ ذَبْحِهِ  
أَوَّلَآ يَبْنِي بِلُطْفَانِ مَبْنِي؛ فَمَكَتْ غَيْرَ تَعَبٍ فَقَالَ أَخَذْتُ بِمَا لَمْ تُعَبِّدْ بِهِ، وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ وَبَنَاءٍ

یعنی. تا آخر (سوره نمل / ۲۰ - ۲۹).

- سلیمان (ع) - از پرندگان سان دید - و متوجه شد که (هدد) حضور ندارد - پس گفت: چه شده است که هدد را نمی بینم، با از فرمان سرپیچی کرده و غائب شده است؟! بیعتی او را تنبیه و یا اعدام می کنم مگر اینکه - بر این غیبت خود - دلیلی قاطع به همراه داشته باشد. دیری نگذشت - که هدد از راه رسید - و گفت به چیزی دست یافته ام که تو از آن بی خبری، - و در این مورد - خبری کاملاً واقعی از - مملکت - سبا برایت آورده ام... تا آخر.

بنابراین گمان نمی رود که نظر نو یسنده از بیان چنان مطلبی این باشد که چنین معجزات و کراماتی را از جانب پیامبران و اولیاء پاک خدا نفی کرده باشد؛ بلکه هدفش رد کردن آن قبیل افسانه ها بوده، نه اخبار و احادیثی که در مورد معجزات انبیاء و اولیاء آمده است.

«مترجم»

پیش از آن به وقوع پیوسته است!

این نحوه گزارش حوادث و رویدادهای تاریخی، دست مورخ رادر دروغپردازیها و روایات ساختگی او رومی کند، و ویرا در تیررس حملات منطقی علمی بدور از هرگونه غرض و تعصبی قرار می دهد.

اینجاست که استاد عسکری این امکان را به دست می آورد تا پس از پیگیریهای لازم، در منابع و مصادری که با موضوع مورد بحث وابستگی دارد، آخرین ضربه سنگین و قاطع خود را بر این تاریخ نگار خطرناک فرود آورد، و با استادی و مهارتی هرچه تمامتر و شگفت انگیز اخبار ساختگی سیف را از دیگر منابع خبری جدا کرده، و بدان وسیله مصادر تاریخ اسلامی را از ساخته های این مویخ دروغپرداز آزاد نماید. در اینجا ممکن است کسی پرسد: چطور شده است که این قبیل کارهای سیف بر تاریخ نویسان پیشین پوشیده مانده است؟

در پاسخ می گوئیم: چنین نبوده که کارهای او از ایشان پنهان باشد؛ چه، طبری که بیش از دیگر تاریخ نویسان بر کتاب سیف از خود اعتماد نشان داده است، بتمام وجود روایاتش را باور نداشته که گاه با روایتهای دیگران چون «واقعی»، و یا با اسناد مربوط به خود به معارضه با روایتهای سیف برخاسته است. دیگر تاریخ نویسان، و نویسندگان سیره نیز خبر و روایتی را از سیف بن عمر نقل نکرده اند مانند: بلاذری که بطور اطلاق بزرگترین تاریخ نویس فتوحات اسلامی است، و همچنین یعقوبی، و مسعودی و دیگران، اخبار سیف را به جری نگرفته آنها را در کتابهای خود نیاورده اند.

راوی شناسان و پیش کسوتان علم درایه نیز سیف را از نظر دور نداشته، برخی از آنها آشکارا او را کوبیده به دروغگوئی و حدیث سازیش متهم کرده اند. البته بدون تمامی اینها، با آنهمه پشتوانه تاریخی و احترامی که دارند، بسامان رسانیدن چنین مهمی که آقای مرتضی عسکری در پیش گرفته است امکان نداشت. در پایان این مقاله باید بگویم که مؤلف، اصطلاح (اسطوره=افسانه) را در سرتاسر کتابش بسیار بکار برده، و چنین نامی را بر اخبار و روایتهای بی اساس و مردود سیف نهاده؛ در صورتیکه بنظر من بکار بردن چنین اصطلاحی در این مورد بخصوص مستلزم دقت فراوانی است. زیرا افسانه اسمی است که در مباحث علمی

جهان امروز بر جنگهای بزرگ روزگاران گذشته نهاده می شود، که در شکل گیری و رویدادهای هیجان انگیز آنها، پریان و خدایان دخالت مستقیم داشته اند، مانند افسانه های (بابلیها، و یونانیها) که در زبان انگلیسی به آن «مایث»<sup>۱</sup> گفته می شود. اصطلاحی دیگر نیز در زبان انگلیسی وجود دارد بنام «لیجند»<sup>۲</sup> که داستانهای شامل رویدادها و پیش آمدهای خارق العاده و باورنکردنی را به آن می نامند. البته در این قبیل داستانها سخنی از جنگها و نبردهای بزرگ پریان و خدایان در کار نیست. نمونه این قبیل اخبار و داستانها را می توان در داستانهاییکه از معجزات قدیسن و اولیاء و امثال اینها سخن می گویند سراغ گرفت، و پژوهشگران عرب هم تاکنون بر جایگزینی اصطلاحی خاص به جای آن به توافق نرسیده اند. ولی من ترجیح می دهم که در این مورد، لفظ (خرافه) به جای اسطوره و افسانه بکار گرفته شود، تا هریک از این دو لفظ اصالت معنای خودشان را همانطور که در زبان انگلیسی برایشان منظور شده است حفظ نمایند.

در مراجعه به ساخته ها و پرداخته های سیف بن عمر می بینیم که همه آنها بدون اینکه رنگی از داستانها یا جنگهای بزرگ خدایان و پریان را بخود گرفته باشند، سنگین و آرام در یک مسیر منظم تاریخی به پیش می روند، و از این لحاظ کتاب «فتح» او از نظر اسلوب و روشی که در پیش گرفته است با روش دیگر کتابهای تاریخ اختلافی ندارد، و درست نیست که اخبار و روایتهای آن را افسانه نامید، زیرا حوادث و رویدادهای خارق العاده ای که به فراوانی در اخبار و روایتهای سیف آمده است به مفهوم خرافه یا (لیجند) انگلیسی نزدیکتر است تا (افسانه) و (مایث).

از طرفی تمام اخبار سیف معجزات و یا خارق عادات نمی باشد، بلکه دروغهای دیگر او هم چیزی از آنها را در بر ندارند!

پیشینیان نیز برای خبر دروغ، اسامی متعددی را آورده اند که بر اثر کثرت استعمال بصورت اصطلاح درآمد شایع شده اند از قبیل (موضوع) و منحول = ساختگی، و بی اساس). اما من در خود این صلاحیت را نمی بینم که در اینجا لفظ خاصی را برای بکار بردن آن پیشنهاد کنم، جز اینکه در این فرصت کوتاه

~~~~~

تنها چیزی که می توانم بگویم این است که تا آنجا که ممکن باشد در این قبیل مباحث در بکار بردن اصطلاحات دقت کافی رعایت شود. با توجه به اینکه استاد فاضل ارجمند، آقای مرتضی عسکری از هر کس دیگری در بکار بردن واژه ای خاص و مناسب در مباحث علمی خود، داناتر و واردتر می باشد.

• • •

پاسخ، و اظهار نظر مؤلف، پیرامون پاره ای از مطالب این مقاله را در پایان همین کتاب مطالعه فرمائید.

www.ketab.ir